

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: «حکم شرعی حضور در تجمعات به وقت کرونا»

نویسندگان:

مریم غیاث

سیده بشری میرسپاسی

شیرین خدادادی

زهره حیدری

چکیده:

کلید واژه‌ها:

کرونا، حکم شرعی، اجتماع.

مقدمه:

ویروس کرونا مرزهای جغرافیایی را پشت سر گذاشت و با سهل انگاری وارد ایران شد و به سرعت مردم ایران در لیست قربانیان این بیماری قرار گرفتند.

در این برهه توجه به اصول بهداشتی از همیشه بیش‌تر اهمیت داشت.

پزشکان و متخصصان یکی از راه‌های مراقبت و پیش‌گیری را انجام ندادن مناسک مذهبی دسته جمعی مانند نماز جماعت، زیارت اماکن مذهبی و حرم‌ها و شرکت نکردن در هیأت دانستند که باعث افزایش انتشار ویروس می‌شود، چرا که تنفس در هوای آلوده و تماس و لمس اشیا از راه‌های انتقال بیماری است.

به همین علت فقها و علما برای حضور در این اماکن و تجمعات ناگزیر به تعیین تکلیف مردم و بیان حکم شرعی بودند.

فقها برای اعلام نظر تخصصی خود برای تعطیل موقت برخی از مراکز عبادی و تعظیم شعائر مجبور به مراجعه به نظرات کارشناسی پزشکان و مبنا قرار دادن آنها بودند.

در این مقاله از طریق روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و روش تحقیق عقلی-نقلی سعی بر آن داریم تا بنا بر شرایط روز و بیماری واگیر دار، حکم شرعی حضور در تجمعات را بررسی کنیم.

پیشینه

سازمان جهانی بهداشت بیماری «کویید19» را که بر اثر ابتلا به ویروس جدید کرونا پدید می‌آید «بیماری همه‌گیر» اعلام کرد.

بیماری‌های همه گیر پیش از این نیز در جهان سابقه داشته است.

در این مقاله نمونه‌هایی از توصیه‌های دینی را در این زمینه آورده ایم:

نمونه‌ها بسیار زیاد هستند و در بخش‌های مختلف ابواب حدیثی و فقهی می‌توان آن‌ها را نشان داد. به عنوان مثال در باب بیستم کتاب الاحتضار در مجموعه گران قدر وسائل الشیعه با عنوان فصل «بَابُ جَوَازِ الْفَرَارِ مِنْ مَكَانِ الْوَبَاءِ وَ الطَّاعُونَ إِلَّا مَعَ وَجُوبِ الْإِقَامَةِ فِيهِ كَالْمُجَاهِدِ وَ الْمُرَابِطِ» (فصل مربوط به مجاز بودن گریختن از جاهایی که وبا و طاعون در آن رواج دارد، جز در مواردی که مانند در آنجا برای کسانی مانند رزمندگان و مرزداران واجب است) پنج روایت آمده است که مضمون همه آن‌ها بسیار به هم نزدیک و نشان‌گر ضرورت اتخاذ روش‌های عقلائی و عقلانی در برابر بیماری‌ها و واگیر است. به روایت نخست این بخش توجه کنید:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْوَبَاءِ يَكُونُ فِي نَاحِيَةِ الْمَصْرِ فَيَتَحَوَّلُ الرَّجُلُ إِلَى نَاحِيَةٍ أُخْرَى أَوْ يَكُونُ فِي مَصْرٍ فَيَخْرُجُ مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ، إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ ذَلِكَ لِمَكَانٍ رَبِيَّةٍ كَانَتْ بِحِيَالِ الْعَدُوِّ فَوَقَعَ فِيهِمُ الْوَبَاءُ فَهَرَبُوا مِنْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْفَارُّ مِنْهُ كَالْفَارِّ مِنَ الزَّحْفِ كَرَاهِيَةً أَنْ تَخْلُوَ مَرَائِزَهُمْ (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۲۱ - ۹۳۴)

راوی حدیث می‌گوید از امام صادق علیه السلام در باره شیوع وبا در یک منطقه معین (شاید هم سرزمین مصر) یا در هر سرزمینی پرسیدم که کسی که در آنجا ساکن است (از ترس وبا) منطقه را ترک می‌کند،

حضرت فرمودند اشکالی ندارد، پیامبر از این امر برای ساکنان منطقه ای که در برابر دشمن بود و وبا در آنجا افتاد و مردمان آن شهر گریختند نهی کردند و فرمودند کسی که از وبا بگریزد همچون کسی است که از مقابل دشمن گریخته باشد، این را پیامبر از آن روی گفتند که منطقه آنها (در برابر دشمن) خالی نشود.

(و لذا گریختن مردم در شرایط عادی از مناطقی که در آن وبا هست، منعی ندارد)

وبارا برخی لغت دانان همچون صاحب بن عباد (۳۸۳ ق.) در المحيط فی اللغة، ج ۹۴، ص ۹۳۹ و زبیدی (۹۲۴۳ ق.) در تاج العروس، ج ۹، ص ۲۷۹ و ابن منظور (۷۹۹ ق.) در لسان العرب، ج ۹، ص ۹۸۱ به مفهوم هر بیماری فراگیر دانسته اند. بنابراین، می توان از این نوع روایات جواز مقابله با بیماری های واگیردار را برداشت کرد. گرچه این امر عقلی است و اگر هیچ روایتی هم در این باره نداشتیم، عقل و منش خردمندان همین حکم را صادر می کرد.

در روایتی دیگر به جای کلمه وبا، طاعون آمده است، توضیح خیلی روشن تری در این باره دارد که برای طولانی نشدن بحث از ذکر آن خودداری می کنم.

تعریف لغوی و اصطلاحی واژه کرونا

واژه کرونا ویروس به معنی تاج یا هاله گرفته شده است. این واژه به مشخصه ی ظاهری ویروئین ها شکل عفونی ویروس که در زیر میکروسکوپ الکترونی دیده می شود، اشاره دارد که حاشیه ای از سطح بزرگ و پیاپار داشته و یادآور تصویری از یک تاج سلطنتی، یا تاج خورشیدی است. از این رو کروناویروس را ویروس تاج دار نیز می نامند.

کمیته بین المللی طبقه بندی ویروس ها در ۹۹ فوریه سال ۲۰۲۰، نام "کرونا ویروس سندرم حاد تنفسی ۲ (SARS-CoV-2)" را برای این ویروس جدید انتخاب کرد.

سازمان جهانی بهداشت در ۱۱ فوریه سال ۲۰۲۰ و در پی دستورالعمل های منتشر شده توسط سازمان بهداشت جهانی حیوانات و سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد یا فائو (FAO) کوید ۱۹ را به عنوان نام این بیماری برگزید.

در نهایت نام های رسمی اعلام شده برای این بیماری کوید-۱۹ (COVID-19) و برای ویروس عامل آن، کرونا ویروس سندرم حاد تنفسی ۲ / اعلام شدند.

اهمیت سلامتی و جان انسان‌ها در آیات و روایات

«مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (32)»

«از این روی به بنی اسرائیل حکم نمودیم که هرکس انسانی را بدون حق و یا بی آن‌که فساد در زمین کرده بکشد چنان است که گویی همه انسانها را کشته و هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است و رسولان ما با دلایل روشن به سوی بنی اسرائیل آمدند، اما بسیاری از آنها بنای فساد و سرکشی را گذاشتند.»

این سخن، مبالغه نیست، بلکه از جهان بینی اسلام که همه‌ی افراد بشر را یک پیکر تلقی می‌کند سرچشمه گرفته است. محدثان اسلامی، همگی از پیامبر گرامی نقل کرده‌اند که آن حضرت در موقعیت جامعه با ایمان، چنین فرموده است:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحِمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِنْ أَشْتَكَى مِنْهُ عَضْوٌ وَاحِدٌ، تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحَمَى وَالسَّهْرِ»

افراد جامعه‌ی با ایمان، از نظر مهر و عاطفه بسان یک پیکرند؛ هرگاه عضوی از آن، دچار دردی گردد، سایر اعضا مراتب همدردی خود را با آن عضو از طریق تب و بیداری و ناراحتی، اعلام می‌دارند.

در اینجا سؤال مهمی پیش می‌آید که چگونه قتل یک انسان مساوی است با قتل همه انسانها و نجات یک نفر مساوی با نجات همه انسان‌ها می‌باشد؟

مفسران در اینجا پاسخهای زیادی داده‌اند. در تفسیر "تبیان" شش پاسخ و در "مجمع البیان" پنج پاسخ و در "کنز العرفان" چهار پاسخ به آن داده شده است ولی پاره‌ای از آن‌ها از معنی آیه بسیار دور است.

آنچه می‌توان در پاسخ سؤال فوق گفت این است که: قرآن در این آیه یک حقیقت اجتماعی و تربیتی را بازگو میکند زیرا:

اولاً: کسی که دست به خون انسان بی‌گناهی می‌آلاید در حقیقت چنین آمادگی را دارد که انسان‌های بی‌گناه دیگری را که با آن مقتول از نظر انسانی و بی‌گناهی برابرند مورد حمله قرار دهد و به قتل برساند، او در

حقیقت یک قاتل است و طعمه او انسان بی گناه، و می‌دانیم تفاوتی در میان انسانهای بی گناه از این نظر نیست، همچنین کسی که بخاطر نوع دوستی و عاطفه انسانی، دیگری را از مرگ نجات بخشد این آمادگی را دارد که این برنامه انسانی را در مورد هر بشر دیگری انجام دهد، او علاقمند به نجات انسان‌های بی گناه است و از این نظر برای او این انسان و آن انسان تفاوت نمی‌کند و با توجه به اینکه قرآن می‌گوید "فکأنما..." استفاده می‌شود که مرگ و حیات یک نفر اگر چه مساوی با مرگ و حیات اجتماع نیست اما شباهتی به آن دارد.

ثانیا: جامعه انسانی در حقیقت یک واحد بیش نیست و افراد آن همانند اعضای یک پیکرند، هر لطمه‌ای به عضوی از اعضای این پیکر برسد اثر آن کم و بیش در سائر اعضاء آشکار می‌گردد زیرا یک جامعه بزرگ از افراد تشکیل شده و فقدان یک فرد خواه ناخواه ضربه‌ای به همه جامعه بزرگ انسانی است.

فقدان او سبب می‌شود که به تناسب شعاع تاثیر وجودش در اجتماع محلی خالی بماند، و زیانی از این رهگذر دامن همه را بگیرد، همچنین احیای یک نفس سبب احیای سائر اعضای این پیکر است، زیرا هر کس به اندازه وجود خود در ساختمان مجتمع بزرگ انسانی و رفع نیازمندیهای آن اثر دارد بعضی بیشتر و بعضی کمتر.

در روایات می‌خوانیم: «فانی شدن تمام دنیا نزد خدا، از کشتن یک مؤمن آسان تر است»

روزی محمدبن مسلم از اصحاب حضرت امام باقر علیه السلام به امام علیه السلام عرضه داشت:

«هنگامی که وبا در سرزمینی بیفتد، آیا ما خانه نشینی، گوشه نشینی و کناره گیری از مردم را انتخاب کنیم؟ حضرت در پاسخ فرمود: چه اشکالی دارد که از وبا و بیماری فراگیر فاصله و کناره گیری؟ در حالی که رسول خدا (ص) به مردی که به آن حضرت خبر داد که در خانه‌ای همراه برادرانش بود و برادرانش همگی مردند و فقط او باقی مانده بود، فرمود: از آن خانه فاصله بگیر و دور شو، در حالی که این خانه مذموم است.»

و از حضرت رسول اکرم صل الله علیه و آله روایت شده: «اِذَا وَقَعَ وَأَنْتُمْ بِأَرْضٍ فَلَا تَخْرُجُوا مِنْهَا» یعنی اگر در شهری آن مرض مسری رخ داد، پس از آن شهر خارج نشوید.

در برخی دیگر از روایات آمده است: «فَإِذَا سَمِعْتُمْ بِهِ فَلَا تَدْخُلُوا عَلَيْهِ» یعنی اگر شنیدید که در محلی، مرض مسری آمده است به آنجا وارد نشوید.

کند، و یا خودش را در معرض ابتلای به بیماری کشنده قرار دهد. لذا برای عدم جواز اضرار قابل توجه به نفس همین اطلاعات کافی است و به دلیل خاص هم نیاز نداریم.

قاعده «لا ضرر» نیز در فقه اسلامی وارد شده است که به دو صورت «لا ضرر و لا ضرار» و «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» بیان شده است. این روایت به طور خاص شأن صدور دارد اما دایره اطلاق آن بسیار وسیع بوده و امور فراوانی را در بر میگیرد؛ هرچند در معنا و مصداق این روایت اختلاف نظر فراوانی وجود دارد که به معنای «لا» در این عبارت بازگشت دارد.

با توجه به اینکه «لا» میتواند در معنای نفس و یا نهی استعمال شده باشد میتوان گفت در اسلام هیچ حکم مضری وجود ندارد و یا این که در اسلام ضرر و زیان وجود ندارد و از عمل زیانبار نفی شده است.

مورد استفاده از این قانون در فقه دو مورد است؛ اول، در قوانین ناظر به روابط انسان و خداوند مانند احکام مربوط به عبادات مانند زمانی که استعمال آب برای فردی ضرر داشته باشد حکم وضو از او برداشته شده و او موظف به تیمم برای انجام عباداتی مانند نماز می شود.

و دوم، در قوانین ناظر به روابط مدنی، حقوقی و اجتماعی مانند زمانی که قاعده تسلیط با منافع دیگر انسانها تزامن داشته باشد همان گونه که مجرای صدور روایت «لا ضرر و لا ضرار» در ماجرای سمره بن جندب وارد آمده است.

با بررسی این روایت روشن می شود که هر کس مالکیت خود را وسیله اضرار غیر قرار دهد اول مالکیت او تعدیل و محدود میشود در صورتی که مالک به اضرار خود ادامه دهد از وی سلب مالکیت می شود ماده 132 قانون مدنی نیز چنین بیان می دارد که «کسی نمیتواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر از خود باشد» و این خود دلیلی است بر لزوم رعایت منافع جمعی در صورت تزامن حقوق فرد و جامعه که هم جهت شرعی و هم مدنی دارد و از آنجایی که به شکل قانون این کشور در آمده لزوم رعایت آن به تبعیت از دین و مذهب خاصی محدود نمی گردد.

هر چند روایت یاد شده از عموم و شمول برخوردار است اما فقهای شیعه برای اثبات قاعده «لا ضرر» به مواردی دیگر نیز استدلال کرده اند. خداوند سبحانه و تعالی در سوره بقره آیه 233 فرموده: لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ

بَوْلِدْهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدْهِ؛ و در آیه 282 سوره بقره فرموده: وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ. آنچه از این آیات استنباط میشود این است که عمل ضرر در هر صورت که باشد مورد نفی است.

از ادله عقلی برای اثبات این مدعا نیز میتوان به قبح عقلی ضرر و زیان رساندن به خود و هموعان و حسن عقلی حفظ جان و منافع فردی و ملی اشاره کرد.

دامنه قاعده لاضرر چنانکه از آیات و روایت فهم میشود مربوط به امور خاص نمی‌شود بلکه تمام ضررهای مالی و اخلاقی و جانی را شامل می‌شود و عبارت لاضرر و لاضرار فی الاسلام مربوط به هر نوع ضرری در قبال خود یا دیگران است. بنابراین این قاعده جامعیت و شمولیت داشته و از دامنه وسیعی برخوردار است.

در مقابل شمول قاعده تسلیط مربوط به امور مالی است که از روایت «الناس مسلطون علی اموالهم» استنباط می‌شود. بنابراین این روایت نمی‌تواند شامل جان خود- چه رسد به جان دیگران -شود. بنابراین هیچ یک از اعضای جامعه شرعاً چنین حقی ندارد که با استناد به قاعده تسلیط بگوید «جان خودم است و اگر بخواهم می‌توانم خود را در معرض خطر از جمله بیماری قرار دهم!» زیرا اولاً مالک نفوس خدای متعال و حفظ جان واجب شرعی و عقلی است، و ثانیاً گاهی این در معرض خطر قرار گرفتن، خصوصاً در معرض بیماریهای مسری قرار گرفتن، می‌تواند موجب به خطر افتاد جان دیگران شود که جایز نیست.

بنابراین شک نیست که دامنه قاعده تسلیط نامحدود نیست و تحت قاعده لاضرر محدود می‌گردد، به این معنا که صاحبان حق نباید متضرر گردند و این شامل تمامی قوانین شرعی و مدنی و عرفی است. این بدین معناست که اگر کسی از حق آزادی خود در تردد در معابر عمومی و عدم استفاده از ماسک و فواصل اجتماعی در هنگام پاندمی جهت حفظ جان خود و جان و سلامت دیگر افراد جامعه نگذرد، عمل حرامی مرتکب شده است.

از طرفی دیگر، مقتضای قاعده «وجوب حفظ نفس» مقتضای قاعده از تعریض به سرایت است. بدین معنا که نه تنها واجب است انسان اگر مبتلا به بیماری شد از انتشار آن و سرایت دادن بیماری به دیگران جلوگیری کند بلکه واجب است خودش و دیگران را در معرض ابتلای به بیماری‌ها مسری و خطرناک قرار ندهد. پس اگر کسی به بیماری مسری مبتلاست معاشرت او با دیگران و در معرض قرار دادن آنها به ابتلای به آن بیماری جایز نیست. از آنجایی که بیماری‌های مسری در ابتدای ابتلا علانمی نداشته و ناقل می‌تواند بدون

بروز علائم بیماری تا چند روز و گاهی چند هفته موجب سرایت بیماری شود در هنگام پاندمی مواردی همچون رعایت فاصله اجتماعی، عدم خروج از منزل جز در موارد ضروری و امرار معاش، مراقبت از خود و جامعه با مواردی همچون استفاده از ماسک و ... شرعاً بر مکلف واجب میشود و تمرد از آن عملی حرام است.

گزیده‌ای از سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در شرایط کرونا

این [بیماری] مصداق این آیهی شریفه است: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ؛ هم با خودش خوف می‌آورد و یک عده‌ای واقعاً می‌ترسند، هم مسئله‌ی مشکل اقتصادی را به وجود می‌آورد، هم نقص اموال و انفس و ثمرات را همراه دارد؛ لکن بعدش خداوند می‌فرماید: وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ اینجا هم صبر لازم است. صبر در اینجا یعنی کار درست انجام دادن، کار عاقلانه انجام دادن.

یقیناً هر چیزی که کمک کند به سلامت جامعه و عدم شیوع این بیماری، یک حسنه است؛ در نقطه‌ی مقابل هر چیزی که کمک کند به شیوع این بیماری، یک سیئه است. خدای متعال ما را موظف کرده که نسبت به سلامت خودمان و سلامت دیگران، سلامت مردم، احساس مسئولیت کنیم.

بنابراین توصیه‌ی اول این است که ما کاملاً رعایت مقرراتی را که مسئولین برای ما مشخص می‌کنند، برای خودمان فریضه بدانیم و لازم بدانیم و عمل کنیم.

حتی اجتماعات دینی را تعطیل کرده‌اند که خب این در طول تاریخ ما به این شکل بی‌سابقه است که همه جا حتی مثلاً حریمهای مطهر و نمازهای جمعه و جماعت تعطیل بشود؛ این بی‌سابقه است، ولی خب چاره‌ای نبوده است؛ این جور مصلحت دانسته‌اند و این جوری عمل کرده‌اند؛ اینها را رعایت بکنند تا ان شاء الله خدای متعال هر چه زودتر این بلا را از سر ملت ایران و همه‌ی ملتهای مسلمان و همه‌ی بشریت کم و کوتاه کند.

این حوادث انسان را متوجه ضعفهای خودش میکند؛ چه ضعفهای طبیعی خودمان، که انسان بداند جای مغرور شدن نیست، ما همه ضعیف هستیم، آسیب‌پذیر هستیم، و چه ضعفهایی که در مواجهه‌ی با حوادث، انسان به طور قهری دچار آن ضعف‌ها میشود... ضعفهای خودمان را بشناسیم؛ انسان از غرور و از غفلت خارج بشود، متوجه خدا بشود، از خدا کمک بخواهد. فقط به در خانه‌ی خدا باید رفت؛ در خانه‌ی «دیگری» برویم، ناامید برمی‌گردیم؛ دست به طرف «دیگری» غیر از خدا دراز نکنیم، دستان تهی بخواهد گشت.

نظرات مراجع تقلید درباره کرونا و حضور در اجتماعات

نظر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای:

از وارد شدن به محلی که احتمال عقلائی مبتلا شدن وجود دارد، اجتناب شود مگر اینکه با رعایت نکات بهداشتی، این احتمال منتفی و یا غیر قابل توجه باشد.

نظر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

از جمله مسائلی که بر هر انسانی واجب است، حفظ جان و سلامت است و اگر انسان در این زمینه کوتاهی کند، در پیشگاه خداوند مسؤولیت دارد، لذا همگان توصیه های بهداشتی را رعایت نمایند. ضمناً در صورتی که شخصی عمداً یا به سبب سهل انگاری موجب ابتلای دیگران به بیماری خطرناک منتهی به مرگ گردد، دیه تعلق می گیرد و آن کس که باعث شده باید دیه را بپردازد و اگر فقط هزینه درمانی سنگینی دارد آن را باید بپردازد.

نظر حضرت آیت الله العظمی سیستانی:

در هر کجا که برای جلوگیری از انتشار ویروس کرونا اینگونه تجمعات ممنوع است باید این منع جدی گرفته شود

نظر حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی:

لازم است همه عزیزان به دستورات بهداشتی و پزشکی حتی المقدور عمل نموده و موازین بهداشتی را رعایت کنند تا آسیبی به خود و دیگران وارد نسازند

نظر حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی:

حفظ جان برای مؤمن واجب شرعی و عقلی است و ماسک زدن یک راه حفظ جان خود و دیگران است، پس واجب است رعایت شود.

نتیجه:

در نتیجه تمام آنچه استناد به آیات و روایات و هر آنچه از قواعد و اصول فقهی که بیان شد حاکی از این مهم است که در زمان شیوع بیماری‌های همه‌گیر گذشتن از برخی تفریحات و منافع شخصی و حضور در اجتماعات در قبال سلامت افراد جامعه امری واجب و ضروری است و هرگونه سهل‌انگاری در حفظ سلامت افراد جامعه و ریشه‌کن کردن بیماری شرعا حرام است.

منابع:

1. قرآن کریم.
2. حر عاملی شیخ محمدحسن ، وسائل الشیعه.
3. علی بن حسام علاء الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال.
4. نوری میرزا حسین، مستدرک الوسائل.
5. www.kamenei.ir